



آسیب شناسی دغدغه های معیشتی مبلغان دین و راهکارهای برون رفت از آن

پدیدآورده (ها) : خطیبی، حسین
علوم اجتماعی :: آسیب پژوهی اجتماعی :: پاییز 1394، سال اول - پیش
شماره 1
از 131 تا 160
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1108722>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله
بروجردی
تاریخ دانلود : 28/04/1395



پایگاه مجلات تخصصی نور

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

آسیب‌شناسی دغدغه‌های معیشتی مبلغان دین و راهکارهای برون‌رفت از آن

حسین خطیبی؛ دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و مدیر مرکز تربیتی، آموزشی علّیون

Email: HKH-Tehrani@mihanmail.ir

رفع نیازهای زیستی هر انسان به‌طور عام و مبلغ دین به‌طور خاص، شرط توجه او به نیازهای متعالی و ارزش‌های والای معنوی است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای، توصیف آسیب‌هایی است که از جانب دغدغه‌های معیشتی، متوجه اهداف و رسالت‌های عالم دین، همچون تحقیق و تفقه در دین، تبلیغ و تربیت دینی، تدوین فقه حکومتی، نظریه‌پردازی در علوم اسلامی و نظام‌سازی جهانی و اجرای احکام و حکم دین مبین اسلام در جهان می‌شوند و تحلیل راهکارهایی که از کتاب و سنت برای زدودن این آسیب به دست می‌آید، درصدد تبیین راهکارهای رفع این دغدغه برآمده است.

توجه به کفالت خاصه الهی نسبت به‌روزی عالم دین و توکل بر او، شناخت دقیق رسالت‌های علمی و عملی، پایبندی به میثاق طلبگی و ایفای مطلوب نقش اجتماعی، اصلاح سبک زندگی بر اساس شاخص‌های حیات طیبه اسلامی و تأسی به سبک تبلیغی و تربیتی پیامبران (علیهم‌السلام) در پیام‌رسانی مخلصانه و بی‌اجر و مزد و تأمین مستقیم معیشت توسط حکومت اسلامی و مرجعیت دینی از طریق سازوکارهای الهی و سهم مشخص شده در وجوه شرعی و منابع ملی، برخی از راهکارهایی است که از قرآن کریم و سیره و سخن معصومین (علیهم‌السلام) برای ارتقاء طلاب و مبلغان دین به دست می‌آیند.

واژگان کلیدی: دغدغه‌های معیشتی طلاب و مبلغان، اقتصاد طلاب و مبلغان، کفالت خاصه و عامه، سبک زندگی طلبگی، حیات طیبه اسلامی، سبک تبلیغی و تربیتی پیامبران.

مقدمه

تبیین موضوع تحقیق

ارضای نیازهای مادی و دنیوی، مقدمه برآورده شدن نیازهای معنوی و آخروی بوده و وجود دغدغه معیشتی، مانع کارایی دینی و پیشرفت علمی و معنوی انسان می‌شود؛ چراکه انرژی و همت او را صرف رفع آن می‌نماید. گرچه دغدغه معیشت، آسیبی مشترک در همه اقشار و دارای چاره‌جویی‌های مشترکی است، اما راهکارهای آسیب‌زدایی و رفع این دغدغه از مبلغان دینی، در راه‌حل‌های مشترک خلاصه نمی‌شوند، بلکه راه دیگری نیز وجود دارند که مختص به رسانندگان پیام خدا و طایفه‌ای است که نقش پیامبران و تبلیغ رسالات الهی را به دوش گرفته‌اند.

چالش معیشت و تبلیغ از آنجا ناشی می‌شود که طلب علوم دینی و تبلیغ دین، مهم‌ترین رسالت خدا است که بر دوش پیامبران الهی و جانشینان ایشان، یعنی علمای ربّانی قرار گرفته است؛ اما انجام رسالت خدا با اجر خواستن از بندگان خدا منافات داشته و در نتیجه تبلیغ و تربیت، حرفه و پیشه مبلغ و مربی دینی برای کسب روزی نیست. تفاوت ماهوی امر تبلیغ و تربیت با اکتساب و فعالیت‌های اقتصادی، مستلزم رفع نیازهای مادی از سازوکارهای دیگر است. دغدغه معیشتی، مولود عدم توجه به این سازوکارهای الهی برای پیام‌رسانان وحی بوده و شناخت راهکارها، زاینده دغدغه‌ها خواهد بود.

شناخت آسیب دغدغه معیشتی و راهکارهای زدودن آنها، موضوع این نوشتار است. راهکارهای عمومی برای رفع دغدغه‌های معیشتی عبارت‌اند از: اعتقاد و اعتماد به کفالت الهی و توکل بر او که راهکاری نظری به شمار می‌رود؛ اصلاح سبک زندگی نیز راهکاری عمومی برای رفع عملی دغدغه معیشتی شمرده می‌شود. همان‌طور که خداوند



متعال سازوکارهای گوناگونی برای ارتزاق پیامبران خود داشته، یقیناً سازوکارهای مشابهی برای کسانی دارد که جا پای آنها گذاشته و نقش آنها را ایفا می‌کنند. کفالت خاصه مبلغ دین و طالب علوم دینی، توجیه قلوب مردم به سمت عالم دینی و مبلغ مخلص و فتح ابواب روزی و اختصاص وجوه شرعی برای این قشر، از زمره سازوکارهای اختصاصی خداوند برای تأمین مستقیم و بی‌واسطه طایفه‌ای است که در دین تفقه کرده و برای انذار قوم خود به سوی آنان برگشته است.

سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی

■ راهکارهای آسیب‌زدایی و رفع دغدغه‌های معیشتی مبلغان دینی چیست؟

سؤالات فرعی

■ داشتن دغدغه‌های معیشتی، چه آسیبی در انجام رسالت طلبگی، اعم از تحصیل علوم دینی و تبلیغ معارف اسلامی ایجاد می‌کند؟

■ راهکارهای عام آسیب‌زدایی و رفع دغدغه‌های معیشتی کدامند؟

■ راهکارهای خاص آسیب‌زدایی و رفع دغدغه‌های معیشتی که مختص به مبلغان دین است، کدامند؟

اهمیت موضوع تحقیق

امور معیشتی در طبقه‌بندی نیازهای انسانی، در زمره نیازهای اساسی و اولیه شمرده می‌شوند که ارضای آنها شرط و پایه ارضای نیازهای متعالی شمرده می‌شود. با توجه به اهمیت ارضای نیازهای اولیه، روشن است که داشتن دغدغه فردی و اجتماعی در مورد آنها، مانع پیشرفت فرد و جامعه و پرداختن به نیازهای متعالی آنها مانند تبلیغ رسالات الهی، تربیت نفوس انسانی و تعلیم و توسعه علوم اسلامی است. گرچه دغدغه‌های معیشتی در همه اقشار و طبقات اجتماعی آسیب‌زا است، اما در مبلغان دینی به دلیل



رسالت والای آنها و نیاز مبرم جامعه و حکومت اسلامی به بهره‌گیری از ایشان، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. آسیب‌زدایی دغدغه‌های معیشتی این قشر، کمک به تعالی سایر اقشار و پیشرفت مرزهای علم و اخلاق اسلامی به شمار می‌رود.

هدف و روش تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، آسیب‌زدایی دغدغه‌های معیشتی مبلغان دینی است؛ اما رسیدن به این هدف، مستلزم شناخت این آسیب و راهکارهای مشترکی است که در سایر اقشار برای زدودن این آسیب وجود دارد. شناخت آسیب و راههای عمومی آسیب‌زدایی، پنجره ورود به راهکارهای اختصاصی رفع دغدغه معیشتی طلاب و مبلغان است. روش این تحقیق در رسیدن به این هدف و پاسخگویی به سؤال اصلی و سؤالات فرعی، جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای قرآن، حدیث و سیره و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) و توصیف و تحلیل آنها به‌منظور آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی دغدغه معیشتی است.

بخش اول) آسیب‌شناسی دغدغه‌های معیشتی مبلغان

دین، مهم‌ترین نیاز معنوی و غذای روح انسان بوده و گروهی که به تحصیل و تأمین این نیاز و رساندن آن به جان‌های تشنه می‌پردازند، مبلغان رسالات الهی و در واقع انسان‌هایی فرشته‌گون هستند. بر اساس آیه تفقه^۱ (توبه، ۱۲۲) و آیه تبلیغ رسالات،^۲ (احزاب، ۳۹) تبلیغ و ترویج دین پس از تفقه در آن مهم‌ترین مقصد و رسالت فرستادگان خدا و کسانی است که عهده‌دار نقش انبیا شده‌اند. اهداف و وظایف دیگری چون انسان‌سازی و تعلیم و تربیت دینی، اجرای احکام و ارزش‌های متعالی اسلام در جامعه، اسلامی‌سازی علوم، نظریه‌پردازی اسلامی و اداره جامعه بر اساس اصول و ارزش‌های برآمده از آن، نظام‌سازی و تدوین فقه حکومتی و حاکم‌سازی فقه در همه ساحت‌های مدیریتی حکومت اسلامی را می‌توان ابعاد و زوایای جزئی دیگری از همان دو هدف کلی "تفقه و تبلیغ دین" دانست.

حاکمیت اصول، احکام و ارزش‌های اسلامی در جامعه، بدون تشکیل حکومت اسلامی میسر نخواهد بود؛ از این رو می‌توان تشکیل حکومت اسلامی و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای همه بخش‌های حکومتی همچون سیاست، تربیت، طبابت، صنعت، تجارت و سایر وزارتخانه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه را از مهم‌ترین اهداف و رسالات عالم دینی و نهاد پرورش او، دینی یعنی حوزه‌های علمیه دانست. حوزه علمیه باید کارخانه سازندگی انسان، فکر، کتاب، مطلب، مبلّغ، مدرس، محقق، سیاستمدار و رهبر باشد. حوزه علمیه باید به‌جایی برسد که همیشه چندین نفر شخصیت آماده برای رهبری داشته باشد که هر کدام از آنها را مقابل زیدگان بگذارند، بر او متفق شوند که صلاحیت رهبری دارد^۳ (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰).



حوزه‌های علمیه در گذشته‌های نه‌چندان دور، مرکز آموزش همه علوم و فنون مورد نیاز برای جامعه اسلامی بوده و در کنار تدریس الهیات به تدریس طبیعیات و ریاضیات نیز می‌پرداخته است. حوزه سنتی، نهاد واحد و یکپارچه علوم عقلی و نقلی و به تعبیر امروزی، نهاد آموزش عالی دارای همه رشته‌های علوم انسانی، ریاضی و تجربی بوده است. از لحاظ طولی نیز فعالیت آموزشی حوزه از کودکی آغاز شده و نظام آموزشی آن علاوه بر شمول نسبت به همه رشته‌ها و دانشکده‌های تخصصی، شامل دوره پیش‌حوزوی و دوره آموزش عمومی نیز می‌شده است. احیای نقش و جایگاه اصلی حوزه‌های علمیه را می‌توان از آرمان‌های مقدس و تکالیف علمی و عملی طلاب نسل امروز و حوزه علمی این زمان دانست. طلبه امروز باید شخصیتی جامع، عالمی انقلابی و مبلّغی جهانی باشد.

مردم به‌عنوان مخاطب پیام دین، در طول تاریخ توقع داشته‌اند که فرستادگان الهی و مبلّغان دینی، از فرشتگان باشند؛ به همین دلیل از غذا خوردن و راه رفتن رسولان در بازارها تعجب می‌کرده‌اند؛^۴ (فرقان، ۷-۱۱) اما خدای متعال به دلایلی چون امکان تأسی و الگوگیری، پیام‌آوران خود را از میان انسان‌ها برگزیده، می‌فرماید: «اگر پیامبر را از میان فرشتگان برمی‌گزیدیم باز هم او را به‌صورت مردی می‌فرستادیم ...»^۵ (انعام، ۸ و

۹) گزینش رسول و مبلغ دین از میان انسان‌ها، مستلزم برآوردن نیازهای مادی و تأمین شرایط زیستی او بوده و روشن است که انسان محتاج و نیازمندی که درگیر نان‌و‌آب باشد، نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای روحی و معنوی جامعه و حتی خود باشد.

انسان از سرشت دوگانه جسم و روح تشکیل شده، هر کدام نیازها و کارکردهای متناسب با خود را دارند. نیروی مادی او به نام جسم و نیروی معنوی او با عناوین روح، عقل، قلب و نفس شناخته می‌شود. نیازهای زیستی و جسمی نظیر نیاز به غذا، کار و فعالیت، آمیزش جنسی و نیازهای اجتماعی و عاطفی، مانند احساس تعلق و وابستگی و کسب موقعیت اجتماعی در گروه و نیازهای معنوی با اموری برتر و فراتر از نیازهای نفسانی و مادی، یعنی نیاز به تقرب به خدا ارتباط دارند (احمدی، ۱۳۵۰).

در اسلام نیازهای معنوی نسبت به نیازهای مادی اصالت دارند؛ اما اصالت روح و نیازهای اخروی نسبت به جسم و نیازهای مادی منافاتی با رعایت سلسله‌مراتب در ارضای نیازها ندارد. بر اساس طبقه‌بندی نیازها،^۶ معیشت و نیازهای اقتصادی در زمره نیازهای اولیه بوده، تبلیغ دین، ابلاغ رسالت‌های الهی و رساندن ارزش‌های اسلامی به درون جان انسان‌ها از نیازهای عالی به شمار می‌روند. روشن است که بدون برطرف کردن نیازهای اولیه، پرداختن به نیازهای متعالی ممکن نخواهد بود.

در لغت عربی به کسی که در رفع نیازهای اولیه درمانده، فقیر می‌گویند؛ از آن جهت که ستون فقرات (فقار ظهر) او شکسته و قدرت قیام و نیل به هدف را ندارد^۷ (مقائیس اللغة، ۱۳۷۱ق، ۴، ۴۴۳). در فرمایشات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فقری که شخص فقیر برای آن چاره‌ای نیابد، یکی از چهار چیزی دانسته شده که پشت آدمی را می‌شکند^۸ (مکارم الاخلاق، ۱۳۶۵، ۵۱۳).

فقر عبارت است از نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادها و به آنها بستگی دارد. فقر موجب بدبختی و بیچارگی انسان در زندگی فردی و اجتماعی

می‌شود؛ از این رو امام باقر علیه السلام در ضمن دعایی که خود آن را دعای جامع می‌نامیدند؛ عرضه می‌دارند که خدا یا! تا در دنیا هستم از تو معیشتی با آسایش مسألت می‌کنم؛ معیشتی که با آن قدرت بر طاعت تو پیدا کنم و رضایت کامل تو را به دست آورم و مرا چنان روزی مده که به طغیانم وادارد و به فقر گرفتار مساز که بدبختم سازد.^۹

نقل است که سلمان وقتی سهم خود را از بیت‌المال می‌گرفت، مقداری را ذخیره می‌کرد؛ به او گفتند: «تو با این همه زهد و تقوی در فکر ذخیره هستی! از کجا می‌دانی، شاید همین امروز یا فردا مردی!»؛ در جواب آنها گفت: «شاید نمردم، چرا شما احتمال زنده ماندن مرا نمی‌دهید، همان‌طور که احتمال مردنم را می‌دهید؟! آیا نمی‌دانید ای نادانان که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، اضطراب و تشویشی پیدا می‌کند که در اجرای فرمان خدا سستی می‌ورزد؛ ولی اگر خیالش از بابت تأمین معاش آسوده باشد، آرامش قلبی یافته، برای اطاعت احساس آمادگی می‌نماید» (بحارالانوار، بی تا، ۶۷، ۶۸، ۱۱۴ و ۱۲۵).

اسلام با اعتدال فطری خود، در برنامه زندگی همه جوانب را مراعات کرده، به همان‌گونه که به تأمین معاد و زندگی روحی انسان می‌پردازد، به تأمین معاش و زندگی مادی او نیز توجه دارد. همان‌سان که مردمان را به نماز فرا خوانده، آن را ستون دین می‌شمارد و به پرداخت زکات نیز فرمان داده و توجه مردمان را به ضرورت ماده خوراکی برای برپاداشتن این ستون جلب می‌کند (الحیاه، ۱۳۸۰، ۵، ۱۲۸-۱۳۰). به فرموده پیامبر اسوه صلی الله علیه و آله: «اگر نان نبود، نه نماز می‌خواندیم، نه روزه می‌گرفتیم و نه واجبات پروردگار بزرگ را ادا می‌کردیم» و به فرموده امام جعفر صادق علیه السلام: «فقر به آن نزدیک است که به کفر بیانجامد». آری، آدمی در دو حالت رفاه‌زدگی و فقر، بسیاری از شایستگی‌های خویش را از دست می‌دهد و به پرتگاه‌ها سقوط می‌کند (همان، ۳، ۲۹۹).

علی بن شعیب می‌گوید: «نزد امام رضا علیه السلام رفتم، به من فرمود: یا علی، بهترین مردم از لحاظ زندگی کیست؟ گفتم ای آقای من تو از من داناتری. فرمود: ای علی، آن کس که شخص دیگری معاشی نیکو از معاش او پیدا کند. ای علی، بدترین مردم از لحاظ معاش



کیست؟ گفتم: تو داناتری. فرمود: آن کس که دیگری در معیشت او سهمی نداشته باشد». بر انسان واجب است که بهره خود را از دنیا فراموش نکند و آنچه را که نیاز دارد به مصرف برساند و آنچه را که افزون بر نیاز است به دیگران ببخشد (که هر دوی این امور بهره او از دنیاست)،^{۱۱} تا برای او در نزد خدا ذخیره شود (همان، ۳، ۳۲۶-۳۳۱).

توجه به آیات، روایات و تحلیل‌های عقلی و کارشناسی، شکی باقی نمی‌گذارد که رفع دغدغه‌های دینی بدون توجه به دغدغه‌های معیشتی ممکن نیست؛ اما آیا طلبه امروز برای تحقق اهداف حوزه و تبلیغ رسالات الهی تأمین شده است. گرچه بعد از تشکیل حکومت اسلامی، تلاش‌های بسیاری برای بهبود معیشت عالم دینی شده، اما در مقایسه با وضع معیشتی سایر اقشار و طبقات مردم، مثل همان زمان شهید ثانی رضوان‌الله‌علیه است. طلبه‌ای که انتظار می‌رود روزی خورشید درخشانی بشود که کشور و دنیا را روشن کند، با این وضع معیشتی تربیت نخواهد شد.^{۱۱} (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰).

بخش دوم) آسیب‌زدایی دغدغه‌های معیشتی

الف) راه نظری: اعتماد به کفالت الهی و توکل بر او

خداوند متعال روزی همه جنبندها را به‌طور عام (وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا)^{۱۲} (هود، ۶) و روزی انسان را به‌طور خاص (وَ كَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ)^{۱۳} (عنکبوت، ۶۰) و روزی اهل علم و عمل را به‌طور اخص (وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا)^{۱۴} (ذاریات، ۵۸) متکفل شده است. اعتقاد به رزاقیت حتمی خداوند^{۱۵} و اعتماد به وعده اختصاصی‌اش به طالبان علم و اهل ایمان، مبنی بر کفالت روزی این گروه، برطرف‌کننده همه دغدغه‌های معیشتی است.

توکل بر خدا از آثار درک رزاقیت او و باور وعده کفالت خاصه‌اش نسبت به اهل علم و تقوا است. توکل انسان بر خدا باید بیش از اتکال یک کارمند به دولت باشد. یک کارمند دولت پس از گزینش و استخدام رسمی، دیگر دغدغه بی‌پولی، از کارافتادگی و



بی‌سرپرستی خانواده‌اش را ندارد؛ چون می‌داند تا زمانی که دولت برقرار است، حقوق ماهیانه ایام کار، از کارافتادگی، بازنشستگی و بی‌سرپرستی خانواده‌اش بیمه شده است. در جایی که حال یک کارمند دولت چنین است، حال یک بنده خدا، ریزه‌خوار خوان اهل بیت و سرباز امام زمان چگونه باید باشد؟ به پروردگار عالم، قادر، منان، رحمان و حکیم که هم مشکلات بندگانش را می‌داند و هم قدرت حل آنها را دارد و مقدر تمام تقدیرات بوده و همه کارهایش از روی حساب است، چقدر باید توکل داشت؟ خدایی که خالق بشر است و هم هستی و هم امکانات بهره‌برداری از مواهب هستی را به او هدیه داده است.

شکی نیست که دلسوزی امام زمان علیه السلام نسبت به سربازانش از دلسوزی یک دولت نسبت به کارگزارانش کمتر نبوده، بلکه بسیار بیشتر است. اساساً مقایسه خدا و اولیای خدا با بندگان، مقایسه ناروایی است؛ بنابراین اگر طالب علم و مبلغ علوم اهل بیت علیهم السلام به سربازی خود یقین داشت، نباید فکر معاش و دغدغه معیشتی، او را از انجام وظیفه شرعی و تبلیغ رسالات الهی بازدارد. تنها مسئله‌ای که شایسته است ذهن سربازی را که به سربازی خود باور دارد، مشغول سازد و به دغدغه او تبدیل شود، شناخت مسئولیت و راه‌های انجام آن است. سرباز حضرت ولی عصر علیه السلام نیز باید چنین بوده، چه در ایام تحصیل و چه در ایام تدریس و تبلیغ و در همه حال، تنها به فکر ادای دین و انجام وظیفه‌اش باشد^{۱۶} (بنابی، سایت).

لازم به ذکر است که توکل به معنای تنبلی و یکجا نشستن و منتظر مائده آسمانی بودن نیست؛ بلکه احادیثی دال بر ذم تنبلی و وجوب طلب رزق برای کسی که مخارج عده‌ای بر عهده اوست و مالی ندارد که صرف آنان نماید، وجود دارد که حتی فقهای عظام نیز به این وجوب، فتوا داده‌اند. مرحوم شیخ حرّ عاملی در وسایل از کافی و تهذیب روایت می‌کند که شخصی در محضر امام علیه السلام عرضه داشت، به خدا قسم! ما طالب دنیایم و دوست داریم که بدان برسیم. حضرت پرسید: دوست داری با آنچه کنی؟ گفت: برای خود و عیالم خرج کنم، به بستگانم برسم، به فقرا کمک کنم، حج



بروم و عمره انجام بدهم. امام علیه السلام فرمود: اینکه طلب دنیا نیست، این طلب آخرت است»^{۱۷} (وسایل، ۱۴۰۹، ۱۲، ۱۹)؛ سیره معصومین علیهم السلام، به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام شاهد صادقی بر اهل کار و تلاش بودن آن حضرات دارد؛^{۱۸} بنابراین اگر مسلمانان نیاز به کار بیشتر به ویژه در مسائل تخصصی جهت رفع احتیاج از اجانب و دفع سلطه کفار داشته باشند، کار زیاد نه تنها مذموم نبوده، بلکه ممدوح است حتی در برخی موارد واجب هم می شود (حلی، ۱۳۷۵، ۱۳۵).

انواع کفالت الهی

همان طور که گفته شد، اعتقاد و اعتماد به کفالت الهی دغدغه معیشتی را به کلی برطرف می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود: «مردم! ... آگاه باشید که روح الامین در قلب من دمید که هیچ کس نمی میرد، مگر آنکه روزیش را کامل دریافت می دارد، پس کمتر دنبال طلب دنیا باشید! اگر روزیتان به تأخیر افتاد، مبدا از طریق معصیت آن را بجویید! همانا خداوند متعال، روزی حلال را بین مردم تقسیم نمود؛ ولی حرامی را تقسیم نکرده است؛ کسی که صبر و تقوا را مراعات نماید، روزی حلال خدایی به او می رسد و کسی که پرده دری کرده، عجله نماید و از غیر طریق حلال آن را دریافت کند، در دنیا از روزی حلالش به همان مقدار کم شده، در آخرت نیز نسبت به آن به پای میز محاکمه کشیده خواهد شد»^{۱۹} (همان، ۱۳۴).

روزی حضرت صلی الله علیه و آله به یکی از اصحاب خود فرمودند: «حالت چگونه خواهد بود اگر زنده بمانی و ببینی قومی را که خرج یک سالشان را ذخیره می کنند و حال آنکه یقینشان ضعیف است؟ مبدا هنگام صبح، غصه شب را بخوری (و فکرت را بدان مشغول سازی) و مبدا هنگام شب، غصه صبح را بخوری، تو که نمی دانی فردا نامت چیست (آیا نامت زنده است یا مرده؟)»^{۲۰} (همان، ۱۳۵).

اما کفالت الهی بر دو گونه است؛ یکی عمومی که شامل همه مخلوقات می شود و دیگری اختصاصی و مربوط به خواص؛ کفالت الهی عبارت انداز:



نوع اول) کفالت عامه

کفالت عامه الهی به معنای رازقیت و بر عهده گرفتن روزی همه جنبندگان، اعم از حیوان و انسان و اعم از مؤمن و کافر است^{۲۱} (جامع‌الآخبار، بی تا، ۱۰۸). در روایات شریفه روزی‌رسانی خداوند چنان عمومی و حتمی شمرده شده که حتی اگر کسی از روزی خود فرار کند، باز هم روزی او چون اجل، هر جا که باشد او را درک می‌کند،^{۲۲} (همان)، حتمیت روزی گاهی از حتمیت مرگ و اجل انسان نیز بالاتر معرفی شده است^{۲۳} (همان).

نوع دوم) کفالت خاصه

مراد از کفالت خاصه، مضمون روایت مشهور نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لَطَالِبِ الْعِلْمِ بَرِزْقَهُ خَاصَّةً عَمَّا ضَمَنَهُ لِغَيْرِهِ»؛^{۲۴} (منیه‌المرید، ۱۳۵۱، ۱۶۰)؛ مانند کفالت روزی اهل تقوا (طلاق، ۲، ۳). می‌توان گفت در آیه شریفه نیز یکی از مصادیق بارز «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» طالب علم است؛ چراکه تمام عمر خویش را در راه تحصیل علوم دینی و سپس انذار، تبلیغ و ارشاد مردم صرف می‌کند. شهید ثانی در توضیح حدیث شریف نبوی که می‌فرماید: «خداوند متعال گذشته از ضمانتی که برای رزق عموم مردم نموده، به‌طور ویژه تأمین رزق طالبان علم را برعهده گرفته است» و با توجه به تجربه‌های شخصی خود می‌نویسد: «غیر طالب علم برای به دست آوردن روزی خود، نیازمند سعی و تلاش است؛ اما جوینده دانش بدون آنکه مکلف به سعی و تلاش برای تحصیل رزق خود باشد، فقط به دلیل کسب علم، خداوند روزی او را خواهد رسانید؛ البته به‌شرط نیت صحیح و اراده خالص او؛ در همین رابطه برای خود من حوادث و نکته‌های دقیقی از ابتدای تحصیل تاکنون از لطف خداوند و کمک‌های زیبای او رخ داده است که در صورت جمع‌آوری آنها (حجم عظیمی را تشکیل خواهد داد) که تنها خداوند از آن آگاه است...» (همان، ۱۶۰).

در روایت دیگری آمده «کسی که در دین خدا تقفه کند، خداوند نیازهای او را برآورده و رزق او را از جایی که گمان نمی‌برد، خواهد رسانید» (غزالی، ۱۳۵۱، ۱، ۶). نکته کلیدی در اینجا این است که تعهد خداوند بر رساندن روزی به جوینندگان علم،



مشروط بر نیت خالص آنان در طلب علم و دانش است؛ اما کسانی که به انگیزه‌های غیرخالصی همچون شهرت‌طلبی، کسب ثروت و موقعیت اجتماعی تحصیل علم کنند، اینان در واقع دنیاطلبانی هستند که با استفاده ابزاری از قداست علم و دانش به دنبال رسیدن به مقاصد پست دنیوی خود هستند، نه به دنبال دین؛ به عبارت دیگر، رزق طالبان علم نورانی، ضمانت شده است، نه رزق طالبان علم ظلمانی.

کفالت خاصه الهی به معنای رزق بی‌سبب نبوده؛ بلکه به معنای روزی بدون اسباب طبیعی و فراتر از اسباب مادی و بر اساس اسباب معنوی و فرامادی است؛ مانند رزقی که برای حضرت مریم از نزد خدا می‌آمد^{۲۵} (آل عمران، ۳۷). عمل به وظیفه را می‌توان یکی از این نوع اسباب برشمرد.^{۲۶} اساساً کار تربیتی از سنخ کار اقتصادی نبوده، تربیت نفوس و کسب مال، ماهیتی متمایز بلکه متضاد دارند. هرگز نمی‌توان از یک داعی الی الله و مربی ربانی انتظار داشت که ابلاغ پیام الهی و تربیت نفوس انسانی را کسب‌وکار خود قرار داده و در مقابل تبلیغ رسالت خدا، مزدی از مخلوقات خدا دریافت کند. مزد هر کارگری را کارفرما و اجر هر سربازی را فرمانده او عهده‌دار است؛ از این‌رو خداوند متعال، پیام‌آوران را موظف به دریافت نکردن اجر و مزد از مردم کرده و خود سازوکارهای مختلفی برای تأمین معیشت و ارتزاق بی‌منت ایشان پیش‌بینی نموده است. اختصاص سهمی از وجوهات شرعی، منابع خدادادی (انفال) و غنیمت‌های جنگی که بدون جنگ و به‌صورت مسالمت‌آمیز به دست آمده (فیء) بخشی از این تدابیر الهی است.

در زمان غیبت که وجوهات شرعی و منابع خدادادی در اختیار جانشینان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) یعنی ولی‌فقیه و مراجع تقلید قرار دارد، وظیفه دولت و حکومت اسلامی، ولی‌فقیه و فقهای عظام است که از محل‌های ذکر شده، معیشت انسان‌هایی که به ایفای نقش علمی و عملی و تبلیغ رسالات الهی اشتغال دارند را به وجه احسن وجه و با کریمانه‌ترین صورت تأمین نمایند. گذاشتن معیشت علما و مبلغان دین بر عهده مردم، برخلاف رازقیت کریمانه الهی،^{۲۷} (مانده، ۱۶۴) سیره تبلیغی و سنت ارتزاق انبیای عظام (علیهم‌السلام) و مخالف با کرامت نفس انسانی و اهداف و آرمان‌های حوزه‌های علمی مبنی بر تبلیغ بی‌پاکانه دین است. عالمی که دیده بر



دستان مردم و چشم امید به اموال ایشان دوخته، چگونه می‌خواهد حامل و مبلغ بی‌باک و بی‌شائبه رسالات الهی باشد. خداوند متعال به مقتضای علم، قدرت، حکمت، کرامت و سایر صفات الهی خود، سهم اهل علم را در وجوه شرعی و منابع ملی تعیین فرموده و پرداخت آن را بر عهده دولت، حکومت و مراجع دینی قرار داده است. پرداخت این سهم از جانب دولت اسلامی ادای تکلیفی است که خداوند بر دوش حکومت اسلامی نهاده و هرگز منافات و ارتباطی با استقلال حوزه ندارد.

راه‌های عملی

شناخت دقیق رسالت الهی و ایفای مطلوب نقش اجتماعی

گرچه خداوند متعال روزی همه مخلوقات خود را بر عهده گرفته، اما وظایفی را نیز بر عهده او نهاده است^{۲۸} (کافی، ۱، ۱۴۰۷، ۵، ۷۸-۷۹). همچنین خداوند متعال این قدرت را به انسان‌ها عطا فرموده که با سوء اختیار و فرار از مسئولیت اجتماعی و تعهدات صنفی، مانع رسیدن رزق محتوم الهی به خود و افراد مرتبط با او شوند. امام باقر علیه السلام فرمود: «من در باطن خود کینه‌ای احساس می‌کنم با کسی که کار و فعالیت برایش دشوار می‌نماید، به پشت در خانه می‌خوابد و می‌گوید خدا یا روزی مرا برسان و در طلب رزق نمی‌رود. کار را کنار گذاشته، از آنچه خداوند به بشر ارزانی داشته بهره نمی‌گیرد. درحالی‌که مورچگان از لانه خویش برای طلب روزی بیرون می‌آیند» (بابویه، ۱۳۶۷، ۴، ۲۰۸). هر انسانی به‌طور عام و یک عالم دینی به‌طور خاص باید رسالات الهی و تکالیف اجتماعی بر زمین مانده را اولویت‌بندی کند و بر اساس شناخت دقیق استعداد، علاقه و توانایی‌های خود به ادای تعهد علمی و دینی، میثاق طلبگی و تکلیف شرعی‌اش همت گمارد. آشنایی با رسالت‌های عالم امروز و طلبه نسل انقلاب و آشنا با مطالبات جهان کنونی، عرصه وسیعی از فعالیت‌های علمی و عملی، تبلیغی و تربیتی را فراهم می‌آورد.



خانه‌نشینی و تن‌پروری یا تن‌دادن به مشاغل عمومی و غفلت از رسالت‌های تخصصی و مطالبات جهانی، مانع رزق کریمانه الهی و حیات طیبه عالم دینی است. مطمئناً خداوند متعال، تعهدی نسبت به روزی این طایفه نخواهد داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مردی در خانه می‌نشیند و می‌گوید: پروردگارا به من روزی ده! و در طلب روزی از خانه بیرون نمی‌رود. خدای بزرگ می‌فرماید: ای بنده من! آیا تن سالم به تو ندادم که به کسب روزی پردازی و سفر کنی تا میان من و تو عذری در طلب روزی نباشد. در آن صورت هم امر مرا اطاعت کرده‌ای و هم باری بر دوش کسالت نشده‌ای».

آن امام همام علیه السلام روزی از یکی از اصحاب خود وضعیت عمر بن مسلم را جویا شدند. راوی می‌گوید گفتم: فدایت شوم، به عبادت پرداخت و تجارت را ترک کرد. فرمود: بیچاره او! آیا نمی‌داند که دعای آدم بی‌کار مستجاب نمی‌شود؟! گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که آیه شریفه (وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) نازل شد، مغازه‌های خود را بسته و به عبادت پرداختند، آنها گفتند: «روزی ما خواهد رسید!»، وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله این خبر را شنید، ایشان را نزد خود خواست و فرمود: «چه چیز شما را بر این کار واداشت؟»، گفتند: ای رسول خدا! خداوند رساندن روزی ما را کفالت کرد؛ از این‌رو به عبادت پرداختیم؛ فرمود: «هر کس چنین کند دعایش مستجاب نخواهد شد، بزوید دنبال کار و فعالیت».

شیخ صدوق قدس سره در تحلیل حدیثی با استناد به آیه کریمه (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا)^{۲۹} (هود، ۶۱) می‌فرماید: «فعالیت و کوشش در زندگی اگر فقط برای اندوختن مال باشد بدون شک خطا است؛ ولی اگر برای خدمت به خلق باشد و حتی اگر از این راه انسان سرمایه‌ای به دست آورده، در دنیایش رفاه یافته و ثروتش زیاد شود و بدون تردید موجب رضای حق و تحصیل آخرت است؛ زیرا قصد و نیت وی خدمت به جامعه و رشد و ترقی آن است. چنین انسانی هرگاه بین مصلحت خود و جامعه‌اش تضادی ببیند ترجیح خواهد داد که نفع همگان را در نظر گرفته، از نفع خود چشم‌پوشد و این خود عین طلب آخرت است. برخلاف آن‌کس که حتی اگر ثروتی



نیندوزد، در همه حال مصلحت خویش را در نظر دارد، که او از رحمت خداوند دور است» (بابویه، ۱۳۶۷، ۴، ۲۰۸).

البته اشتغال به کار و فعالیت، اعم از کار و فعالیت اقتصادی است. آنچه در اینجا مورد نظر است ایفای نقش اجتماعی است؛ اعم از اینکه منافع اقتصادی دربر داشته یا نداشته باشد و اعم از اینکه انسان نیاز مالی داشته یا نداشته باشد؛ از این رو اولیای دین حتی در جایی که انسان نیاز مالی ندارد نیز او را به کار و فعالیت تکلیف نموده‌اند. محمد بن عذافر از پدرش بازگو کرده که گفت، امام صادق علیه السلام هفتصد دینار به من سپرد و فرمود «این را به کار ببند و بدان من از روی حرص به مال این کار را نکردم، بلکه دوست دارم خداوند متعال مرا ببیند که می‌خواهم از فضل او بهره‌مند گردم».^{۳۰}



محدث بزرگوار، کلینی، در بخش مربوط به معیشت از کتاب کافی، باب‌هایی در این‌باره آورده است، همچون باب «وجوب پیروی از امامان علیهم السلام در کار و کوشش برای به دست آوردن روزی»، باب «تأکید بر کسب روزی و اقدام برای آن» (کافی، ۱۴۰۷، ۵، ۷۸) همچنین عالم بزرگوار، شیخ حر عاملی، در بخش تجارت از کتاب وسایل، دو باب در این موضوع آورده است؛ باب «استحباب طلب روزی و وجوب آن در هنگام ضرورت» و «باب مکروه بودن ترک طلب روزی و حرام بودن آن در هنگام ضرورت»^{۳۱} (وسایل، ۱۴۰۹، ۱۲ و ۹، ۱۳)؛ از سوی دیگر، آیات متعدد و روایات بسیاری که تخلف انسان از دستورات الهی و ظلم به خود و دیگران را موجب فساد زمین^{۳۲} (روم، ۴۱)، سلب فیوضات آسمانی و مانع نزول برکات الهی برشمرده‌اند^{۳۳} (اعراف، ۹۶)، بیانگر تأثیر عمیق و ارتباط وثیق اعمال و حتی نیت انسان با رزق و روزی او هستند؛^{۳۴} بنابراین این دسته از آیات و روایات، حتی در صورت اشتغال به فعالیت نیز ممکن است ظلم و معصیت از رسیدن روزی جلوگیری کرده و تقوا و استغفار، برکات آسمان و زمین را سرازیر نماید^{۳۵} (نوح، ۹-۱۲).

بر اساس تلازم رزق و روزی الهی با اعمال و نیات انسانی، از راهکارهای گشایش ابواب روزی، به‌ویژه برای طلاب علوم دینی و مبلغان معارف اسلامی، سعی در جلب رحمت الهی و درک فیوضات معنوی با قرار دادن خود در مسیر کسب رضای خداوند متعال است. روشن است که رضای خدا درگرو تبلیغ رسالت‌های او و انجام وظایف دینی است. هر طالب علم و مبلغی که مسئولیت دینی خود را به‌درستی تشخیص داده، تکلیف شرعی و نقش اجتماعی خود را به‌خوبی ادا کند، بی‌شک مشمول وعده‌های خاص خداوند متعال درباره تکفل معیشت شده، درهای رزق و روزی از زمین و آسمان به روی او باز خواهد شد.

راه دوم: تأسی به سبک تبلیغی و تربیتی پیامبران علیهم‌السلام

یکی از عناصر شاخص در سبک تبلیغی پیامبران علیهم‌السلام که با مرور سخنان ایشان به‌ویژه در سوره مبارکه هود به دست می‌آید، استغنائی مالی از غیر خدا و اجر نخواستن از مردم، حتی از کسانی است که به دعوت ایشان پشت کرده، زحمات تبلیغی و تربیتی ایشان را نقش بر آب می‌کردند (فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (یونس، ۷۲)؛ این امر علاوه بر اینکه موجب شده بود مریبان الهی در رساندن پیام‌های الهی، خواسته‌ها و امیال متریبان و تهدید و تطمیع مخاطبان را ملاک ندانند، بلکه تسلیم محض اوامر الهی شده و تنها انگیزه ایشان، تبلیغ رسالات الهی به عمق جان و دل مردم باشد، (الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون أحدا إلا الله و کفی بالله حسیبا)، (احزاب، ۳۹) کارکردهای ضمنی دیگری نیز دربردارد.

یکی از کارکردهای ضمنی اجر نخواستن از مردم، گشایش ابواب ارتزاق خداوندی و غیرمردمی است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ضمن سفارش‌های خویش به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَأَفْعَلْ...»^{۳۶} (تحف العقول، ۱۳۶۳، ۷۸). کار معنوی مخلصانه و بی‌اجر و مزد موجب جلب، جذب و انعطاف قلوب مردم به معنویت شده، درهای رحمت الهی را به‌سوی انسان باز



می‌کند؛ از این رو یکی از راه‌های کسب روزی را می‌توان کار معنوی خالصانه و بی‌توجه به دنیا و دعوت مردم به سمت خدا دانست.

بی‌توجهی به دنیا و ناامیدی از غیر خدا، یکی از قواعد خاصه جلب روزی است. هر چه انسان به دنیا پشت کند، دنیا بیشتر سراغ او خواهد آمد. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه همام، یکی از خصال متقین را این‌گونه برمی‌شمرد: «أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا وَ أَسْرَتْهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا». بر اساس این قاعده، انسان هر چه بیشتر در بند دنیا نباشد، بیشتر دنیا دنبالش می‌آید. در حدیث قدسی است که خداوند متعال به دنیا فرمود: «هر کسی دنبال تو نیامد، بیشتر دنبالش برو»^{۳۷} (ابن بابویه، ۴، ۱۳۶۷، ۳۶۳).

راه سوم: اصلاح سبک زندگی

مال در نظر اسلام ودیعه‌ای الهی در نزد انسان است؛ او حق ندارد آن را جز به صورتی که ودیعه‌گذار، یعنی خدای منان، به وسیله شریعت خود مقرر نموده به مصرف رساند. خوردن و بهره‌برداری که قرآن و روایات^{۳۸} (الحیة، ۱۳۸۰، ۶، ۲۵۴) آن را مجاز می‌شمارند، مصرف مقداری است که نیاز انسان را در حد اعتدال برآورده، به اندازه قوام و کفاف باشد.^{۳۹} «کسی که بدنش سالم و دارای امنیت و مالک مخارج یک روز و شب خود باشد، گویا تمام دنیا را داراست. ای پسر جعشم! مخارجی که بر تو لازم است، اول غذایی است که گرسنگی تو را برطرف سازد و دوم لباسی است که بدنت را بپوشاند. اگر خانه هم داشتی که خوب است و اگر وسیله سواری هم بر اینها اضافه شد که خیلی عالی است؛ اما اگر اینها فراهم نشد، نان‌وآبت که باشد کافی است؛ چون غیر از آن یا حساب دارد یا عذاب»^{۴۰} (غفاری ساروی، ۱۳۷۵، ۱۳۳).

طبیعت انسان نیز مقتضی خوردن طبیعی بوده، خوردن بیش از نیاز را نمی‌پذیرد. انسان بنا بر تکوین خود، به امکانات طبیعی و نیازهای زندگی احتیاجی محدود داشته، با مقدار محدودی از خوراک، سیر و با مقداری محدود از آب، سیراب می‌شود؛ اندک لباسی او را بپوشانده، مساحتی محدود از زمین، او را از باقی زمین بی‌نیاز می‌کند؛^{۴۱}



بنابراین هم حد طبیعی و تکوینی و هم حد اسلامی و شرعی در همه این نیازمندی‌ها، حد میانه و اکتفا به مقدار ضروری برای ادامه زندگی و حفظ نیرو و نشاط است.^{۴۲}

پس مناسب است انسان به اندازه نیاز خود در اختیار داشته باشد؛ نه کمتر تا فقیر و بدبخت شود و نه بیشتر تا به صورت انسانی مسرف و مصرفی درآید. کوثر اسلام سبک مترفانه، مصرفی، افراطی و فراتر از کفاف را که متضاد با طبع و فطرت انسانی است مجاز نمی‌شمارد؛ هر چند مکاتب اقتصادی تکاثری و مصرفی آن را روا بدانند.

سبک معاش اسلامی را می‌توان قناعت در مصرف دانست که از آن به حیات طیبه تعبیر شده است. در تفسیر (فَلنُحِیْهُ حَیْآةً طَیْبَةً) از معصومین (علیهم‌السلام) وارد شده که مراد از زندگی گوارا، قناعت است. نیز در تفسیر فرموده‌ی خدای تعالی در نقل قول از سلیمان که می‌گوید: پروردگارا سلطنتی بر من ببخش که پس از من سزاوار هیچ‌کس نباشد،^{۴۳} گفته شده مراد از این مُلک، قناعت است؛ زیرا سلیمان با فقیران می‌نشسته و می‌گفت فقیری در جرگه فقیران نشسته است^{۴۴} (دیلمی، ۱۳۷۷، ۱، ۲۸۳).

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «اگر شخص قانع سوگند یاد کند که دنیا و آخرت را مالک شده، البته خداوند عزیز سخن او را تصدیق کرده و سوگند او را امضا خواهد فرمود؛ زیرا مقام قناعت بسیار بزرگ و مهم است. پس چگونه می‌توان به قسمت پروردگار متعال راضی نشد، در صورتی که خدا می‌فرماید: معیشت دنیوی مردم را در میان آنان قسمت کرده‌ایم. پس کسی که ایمان داشته و پروردگار جهان را تصدیق کند و غفلت را از خود دور کرده، به مقام ربوبیت، مربی و مدبر بودن او یقین پیدا کند؛ البته روزی را از خدا دانسته و بدون توجه به اسباب و وسایل ظاهری متوجه پروردگار متعال می‌شود و کسی که به قسمت و داده خدا راضی و قانع شد، از فکر و غصه و زحمت نجات پیدا کرده و راحت می‌شود و هر چه قناعت کمتر باشد، حرص و طمع بیشتر شده و زحمت، ناراحتی و دغدغه فکری افزون‌تر خواهد شد»^{۴۵} (مصباح‌الشریعه، ۱۳۷۸، ۱، ۱۲۷).

قناعت اگر در همه شئون زندگی اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و تمایلات نفسانی صورت بگیرد، ریشه طمع و هوس قطع شده، با آسایش خاطر و راحتی تن و دل



می‌توان توجه کامل به عالم روحانیت و لقای پروردگار محبوب پیدا کرد. باید توجه کرد که به مقتضای (منهومان لا یشبعان طالب علم و طالب مال)، طالب دنیا از نظر علاقه و محبت قلبی هرگز سیر نخواهد شد، اگرچه تمام دنیا را مالک باشد؛ زیرا گرچه شهوت محدود است، ولی اشتها نامحدود و علاقه و طلب همیشه در ازدیاد. طالب دنیا پس از دارا شدن تمام دنیا نیز باید به همان قناعت کرده، حرص و طمع خود را محدود نماید. پس چه بهتر که این امر در همان مرحله اول صورت گرفته، پس از به دست آوردن حداقل وسایل زندگی، حرص و طمع و علاقه خود را محدود نماید. استفاده از دنیا به مقدار حاجت زندگی بوده و اضافه بر آن نه تنها جز تحمل زحمت و مشقت نتیجه‌ای ندارد، بلکه انسان را از توجهات غیبی و عوالم روحانی و سیر به سوی سعادت، کمال و حقیقت نیز محروم می‌سازد.

طمع در دنیا، ریشه همه کارهای زشت است. شخص طمع‌کار از آتش و عذاب الهی نجات نمی‌یابد مگر آنکه از این خصلت توبه کند. به فرموده رسول اکرم ﷺ، قناعت، سلطنتی است پاینده؛ قناعت، مرکب خوشنودی پروردگار متعال است که شخص قناعت‌کار به وسیله آن به سوی خداوند سیر می‌کند. پس در آن چیزهایی که تو را داده نشده، باید توکل بر خدا کنی و نسبت به امور و نعمت‌هایی که تو را عطا شده، راضی و خوشحال شوی و در مقابل پیش آمدها و ناگواری‌هایی که به تو می‌رسد، صبر و تحمل کنی؛ زیرا صبر بر نامایمات و تحمل ناگواری‌ها علامت تصمیم گرفتن، هدف داشتن و جدی بودن است^{۴۶} (همان، ۱۲۸).

همان‌طور که قناعت ملازم است با صفات رضا و توکل، موجب قطع شهوات نفسانی نیز می‌شود. طمع نیز منشأ شهوات و تمایلات نفسانی بوده و برخلاف قناعت، ملازم با اضطراب، نارضایتی، تجاوز از حدود، تشویش فکر و پیدایش خیال‌های فاسد است؛ اما شخص قانع با عظمت و بزرگواری روحی، غنا و بی‌نیازی حقیقی و مالکیت و سلطنت معنوی، چنان بر نفس خود مسلط و به مال و جاه دنیا بی‌اعتنا است که گویی تمام ملک دنیا را مالک است و در مقابل او شخص طمع‌کار اگر تمام دنیا را داشته باشد، باز از ته دل فقیر، نیازمند و بی‌هویت است^{۴۷} (همان، ۱۲۹).



آدمی با مراعات اعتدال در مصرف، به معیشت طیبه دسترسی پیدا می‌کند، نه با فزون‌خواهی و تشخیص فروشی؛ البته قناعت در مصرف، با تولید انبوه و کسب مال به مقداری بیش از نیاز تناقض ندارد، به شرط آنکه به نزدیکان بخشیده، به عمل صالح پرداخته و در آن موازین اسلامی را مورد ملاحظه قرار دهد.^{۴۸} (الحیاء، ۱۳۸۰، ۳، ۴، ۱۵۶ و ۵۰۳).

برای دستیابی به حیات طیبه، علاوه بر شناخت سبک زندگی اسلامی، روش‌های دیگری نیز وجود دارد. نگاه به زندگی فقرا و الگوگیری از علمای ساده‌زیست، دو نمونه از این روش‌ها است. «باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند؛ لذا زی‌اهل علم خودتان را حفظ کنید! درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید! در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر، زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پایین‌تر و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی‌طلبگی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آن‌وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۷، ۴۵۲ و ۴۵۳).

از فرزند امام، مرحوم سید احمد خمینی رضی الله عنه نقل شده که در منزل مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودم، روی فرش نشسته بودیم که خیلی کهنه و فرسوده شده بود و اگر روی موکت می‌نشستم؛ بهتر از آن فرش بود. وقتی جریان را به آقا عرض کردم، آقا فرمود: این فرش جهیزیه همسرم و برای ۴۰ سال پیش است.^{۴۹} مطالعه روایات اقتصادی نیز نقش بسزایی در این زمینه دارند.^{۵۰}

جمع‌بندی

پرسش اصلی این تحقیق درباره شناخت راهکارهای آسیب‌زدایی و رفع دغدغه‌های معیشتی مبلغان دینی بود؛ اما با توجه به تقدم آسیب‌شناسی بر آسیب‌زدایی، در بخش اول به شناخت دغدغه‌های معیشتی مبلغان و پاسخ به این سؤال پرداخته شد که داشتن دغدغه‌های معیشتی، چه آسیبی در انجام رسالت‌های طلبگی، همچون تحصیل علوم دینی، تبلیغ معارف اسلامی و تحکیم احکام و حکم اسلام در عرصه جهانی ایجاد می‌کند. بنابر نتایج بخش اول تحقیق، تبلیغ رسالت الهی از نیازهای روحی و معنوی است که در رأس هرم طبقه‌بندی نیازهای انسانی و پس از نیازهای اولیه و زیستی قرار می‌گیرند. از این‌رو بدون برآوردن نیازهای اولیه و رفع دغدغه‌های معیشتی، تبلیغ رسالت الهی ممکن نخواهد بود.

در بخش دوم تحقیق به راهکارهای عملی و نظری آسیب‌زدایی و رفع دغدغه‌های معیشتی مبلغان دین پرداخته شد. اعتماد به وعده خداوند متعال نسبت به کفالت عامه روزی مخلوقات خود، کفالت خاصه اهل تقوا و علم و توکل بر او از راه‌های نظری رفع دغدغه‌های معیشتی است. اختصاص سهمی از وجوهات شرعی، منابع خدادادی (انفال) و غنیمت‌های جنگی که بدون جنگ و به‌صورت مسالمت‌آمیز به‌دست آمده (فیء) بخشی از تدابیر الهی برای کفالت خاصه این گروه از بندگان خاص خود است. خداوند متعال به مقتضای علم، قدرت، حکمت، کرامت و سایر صفات الهی خود، سهم اهل علم را در وجه شرعی و منابع ملی تعیین فرموده و پرداخت آن را بر عهده دولت اسلامی و مراجع دینی قرار داده است. پرداخت این سهم توسط ایشان، انجام وظیفه و ادای تکلیفی است که خداوند بر دوش حکومت اسلامی و مرجعیت دینی نهاده است. عناوینی چون دولتی و حکومتی‌شدن دین و سلب استقلال حوزه، هرگز نمی‌تواند نافی این سهم و مُسقط تکلیف شرعی نهادهای مسئول باشد.

علاوه بر راهکار نظری، شناخت دقیق رسالت الهی عالم دینی و ایفای مطلوب نقش اجتماعی از راه‌های عملی دغدغه‌زدایی شمرده شد. بر این اساس هر انسان به‌طور عام و عالم دین به‌طور خاص باید تکالیف اجتماعی را اولویت‌بندی کرده و با شناخت دقیق علاقه، استعداد و توانایی خود به انجام آن همت گمارد. بدون اولویت‌بندی رسالت‌های علمی و عملی، شناخت صحیح ظرفیت‌ها و امکانات فردی و اجتماعی و با فرار از مسئولیت نمی‌توان به تأمین مالی و رفع دغدغه معیشتی امیدوار بود، در مقابل، تقید به تکالیف شرعی درهای روزی را باز می‌نماید.

تبلیغ و تربیت به‌عنوان مهم‌ترین نقش طلبه و عالم دینی، دارای سبک‌های گوناگونی است. شناخت سبک تبلیغی و تربیتی پیامبران و شاخص‌های آن و تأسی و الگوگیری کامل از این سبک نیز از راهکارهای عملی جلب رحمت الهی و فتح ابواب روزی است. انجام راه‌های نظری و عملی جلب روزی بدون اصلاح سبک زندگی، حیات طیبه را به همراه نخواهد داشت؛ از این‌رو، آخرین راهکار عملی دغدغه‌زدایی، شناخت سبک زندگی اسلامی و روی آوردن به قناعت به‌عنوان حیات طیبه و معیشت اسلامی است. دستیابی به حیات طیبه، علاوه بر شناخت سبک زندگی اسلامی، روش‌های دیگری نیز داشت که نگاه به زندگی فقرا و زیردستان و الگوگیری از علمای ساده‌زیست دو نمونه از آنها بود.



پانویس‌ها

۱. (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا تَفَرَّقَ مِنْ كُلِّ بَرَقَةٍ فَفُتِحَتْ لِيَتَنَفَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)؛ توبه / ۱۲۲.
 ۲. (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلا يُخَشَوْنَ أَحَدًا إِلاَّ اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) احزاب / ۳۹.
 ۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فضالای حوزه علمیه قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
 ۴. (وَقَالُوا مَا لِيَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَبْتَئِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كِتَابٌ لَّهُ خَبْرًا لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَافِقُونَ لَإِن يَكُونُوا إِلاَّ رَجُلًا مُّشْوَكَرًا انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا تَبَارَكَ الَّذِي إِذَا شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُضُوزًا بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا) فرقان / ۷ - ۱۱.
 ۵. (وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكَ لَفُضِيَ الْأَمْرُ لَمْ لا يُنظَرُونَ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ) انعام / ۸ و ۹.
 ۶. أبراهام مزلو، برای طبقه‌بندی انگیزه‌های آدمی، سلسله مراتبی از نیازها را به صورت طبقات هرمی، ترسیم نموده که از نیازهای اساسی (needs Basic) زیستی آغاز شده، در سطوح بالاتر، به انگیزه‌های روانی پیچیده‌تری می‌رسد که تنها پس از برآورده شدن نیازهای اولیه، نقش مهم خود را ایفا می‌کنند. سلسله‌مراتب مزلو عبارت‌اند از:
 - نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی: گرسنگی، تشنگی، نیاز جنسی و نیاز به آب، غذا، هوا، سوخت‌وساز، تنفس، پوشاک، سرپناه و امثال این‌ها؛
 - نیازهای ایمنی: امنیت فیزیکی از خطر حمله تروریستی، جنگ، حوادث طبیعی، امنیت شخصی، مالی، بهداشتی و رفاهی، امنیت اقتصادی و شغلی، امنیت درمانی در برابر حوادث، بیماری‌ها و اثرات جانبی آن‌ها؛
 - نیازهای تعلق، عشق و محبت: به دیگران پیوستن، پذیرفته شدن، دوستی، صمیمیت و تعلق داشتن؛
 - نیاز عزت‌نفس: اجرا و دست‌یابی، نشان دادن کفایت در کارها، مورد تأیید و شناخت دیگران واقع‌شدن؛
 - نیازهای شناختی: دانستن، فهمیدن و کاویدن؛
 - نیازهای ذوقی: تقارن، نظم و زیبایی؛
 - خودشکوفایی و خودتعالی: پیدا کردن اعتمادبه‌نفس، شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های بالقوه و دست‌یابی به ایده‌آل‌های مورد علاقه؛
- برای توضیح بیشتر ر.ک. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی؛
۷. الفقير: المكسور فقار الظير (عظم الظهر) و قال أهل اللغة: من الفقر اشقُّ اسمُ الفقير و كانه مكسورٌ فقار الظهر من ذلِّيه و مسكنته.



۸. النَّبِيُّ ﷺ يا علي أربعة من قواصم الظهر: إمام يعصي الله عزوجل و يطاع أمره و زوجة يحفظها زوجها و هي تخونه و فقر لا يجد صاحبه مداويا و جار سوء في دار مقام.

۹. امام علی علیه السلام: فقر انسان زیرک را به هنگام بیان دلیل خویش لال می‌کند. «نهج البلاغه» / ۱۰۸۹؛ «عبده» ۱۵۲ / ۳. امام علی علیه السلام: غریب بودن عار نیست، عار غریب بودن در وطن است به دلیل فقر. «غرر الحکم» / ۲۵۹. الإمام علی علیه السلام: الفقر ینسی. مردم انسان فقیر را از یاد می‌برند «غرر الحکم» / ۱۲. «الفقیر حقیر، لا یسمع کلامه و لا یعرف مقامه «بحار» ۴۷ / ۷۲، از کتاب «جامع الاخبار». فقیر حقیر است، به سخن او گوش داده نمی‌شود و قدر او را هیچ کس نمی‌شناسد.» امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام: پسرم! اگر فقیر راستگو باشد، او را دروغگو نام نهند و اگر زاهد باشد، او را نادان خوانند. «بحار» ۷۲ / ۴۷، از کتاب «جامع الاخبار».

۱۰. (ولاتنسن نصیبک من الدنیا و أحسن کما أحسن الله الیک).

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۱۲. سوره هود / ۶ و قال الله تعالی فی سوره الروم الله الذي خلقکم ثم رزقکم و فی سوره سبأ قل من یرزقکم من السماء و الأرض قل الله.

۱۳. سوره العنکبوت / ۶۰؛ در میزان فرموده حمل رزق، ذخیره آن است که انسان و از حیوانات مورچه، زنبور عسل و موش ذخیره می‌کنند.

۱۴. هر کس تقوای الهی را رعایت کند، برای او راه‌هایی قرار می‌دهد و از جایی که حساب نمی‌کند به او روزی می‌رساند و کسی که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت می‌کند؛ چرا که امر خدا به انجام می‌رسد. خدا برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است. طلاق / ۲ و ۳.

۱۵. سوره الذاریات / ۵۸ (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ) و أيضا فی الذاریات / ۲۲ (وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تَعُدُّونَ قَوْ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِفُونَ).

۱۶. دیدگاه‌های تربیتی آیه الله بنابی در مورد امور معیشتی طلبگی، به نقل از پایگاه مجازی مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام شهرستان بناب www.hawzahbonab.com

۱۷. «قال رجل لأبي عبد الله عليه السلام: والله أنا لطلب الدنيا و نحب أن نؤتاها، فقال: تحب أن تصنع بها ما ذا؟ قال: أعود بها على نفسي و عیالی و اصل بها و التصدق بها و احج و اعتمر، فقال ابو عبد الله علیه السلام: ليس هذا طلب الدنيا، هذا طلب الآخرة». و سائل، ج ۱۲، باب سوم از ابواب مقدمات تجارت، ص ۱۹، ح ۳.



۱۸. نقل است که حضرت علی علیه السلام هزار درخت خرما وقف کرد و یا وقتی با زحمت پس از کاوش بسیار، سنگ را کنار زد و آب چشمه جوشید، فوراً گفت: «هذه صدقة جاریة».

۱۹. «انها الناس ... ألا و إن روح الامین نفث فی روعی انه لا تموت نفس حتی تستكمل رزقها، فاجملوا فی الطلب و لا یعملنکم استبطاء شیء من الرزق ان تطلبوه معصية الله، ان الله قسم الارزاق بین خلقه حلالا و لم یقسم حراما فمن اتقى و صبر اتاه رزق الله و من هنك حجاب الستر و عجل فاحذه من غیر حلّه قوص به من رزقه الحلال و حوسب به يوم القيامة».

۲۰. «كيف بك اذا بقيت في قوم يجمعون رزق سنتهم و يضعف اليقين فاذا اصبحت فلا تحدث نفسك بالمساء و اذا امسيت فلا تحدث نفسك بالصباح فانك لا تدري ما اسمك غدا».

۲۱. اعلم انه تعالى يوصل الرزق إلى المؤمن و الكافر و المطيع و المطيع و يوصله إلى الضعیف كما يوصله إلى القوي. حمد بن محمد الشعيري، جامع الأخبار، ص ۱۰۸.

۲۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَذُرُّ بِأَذْرٍ لَوْ أَنَّ آدَمَ قَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَقَرُّ مِنَ الْمَوْتِ لِأَذْرِكُمْ رِزْقُهُ كَمَا يُذْرِكُهُ الْمَوْتُ وَ قَالَ صَ إِذْ الرِّزْقُ يَطْلُبُ الْعَبْدَ كَمَا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ وَ قَالَ ص لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ قَرَّ مِنْ رِزْقِهِ لَتَبِعَهُ كَمَا تَبِعَهُ الْمَوْتُ. محمد بن محمد الشعيري، جامع الأخبار، ص ۱۰۸.

۲۳. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الرِّزْقُ يَطْلُبُ الْعَبْدَ لَمَّا أَجَلُهُ مِنْ أَجَلِهِ. همان.

۲۴. منیه المرید، ص ۱۶۰. وقتی عموم مردم برای امرار معاششان دنبال اسباب اقتصادی و فعالیت‌های کشاورزی، تجاری و اداری می‌روند، اما طالب علم به همه اینها پشت پا زده، تمام عمر، جوانی، نیرو و نشاطش را در راه تحصیل علوم دینی برای رضای خدا صرف می‌کند، دیگر نحوه رسیدن روزی او با سایرین فرق می‌کند. خداوند خودش روزی او را می‌رساند، بدون اینکه آن اسباب طبیعی در کار بوده باشد. دیدگاه‌های تربیتی آیه‌الله بنایی در مورد امور معیشتی طلبگی، به نقل از پایگاه مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام شهرستان بناب www.hawzahbonab.com.

۲۵. آل عمران / ۳۷. إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

۲۶. در عرف هم اتفاق می‌افتد که مثلاً کسی می‌گوید، فلانی! مدتی پیش بنده باش، احتیاج به کارتان هم ندارم، فقط نمی‌خواهم تنها بمانم اگر هم کاری جزئی داشتم، آن را برابرم انجام ده، در عوض من هم این مقدار به تو ماهیانه حقوق می‌دهم. این مسئله‌ای عرفی است. در مورد طلبه هم امر از این قرار است خداوند گویا به طلبه می‌فرماید تو به رسالت معنوی و وظیفه علمی‌ات عمل کن، نگران امور معاش نباش، آنها به عهده من.

۲۷. (وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا مَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...) مانده/ ۶۴.



۲۸. کافی: ۷۸-۷۹ / ۵ / الإمام الصادق عليه السلام: إن ظننت، أو بلغك أن هذا الامر كائن في غد، فلا تدعن طلب الرزق و إن استطعت أن لا تكون كلما فافعل. امام صادق عليه السلام: اگر گمان کردی، یا این خبر به تو رسید که فردا قیامت برپا می‌شود، از طلب روزی (و کسب و کار) دست مکش؛ و اگر بتوانی بار دوش (کلّ بر) دیگران مباحی، مباح.

۲۹. هود / ۶۱: اوست که شما را در زمین آفرید و شما را برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت.

۳۰. عذافر می‌گوید آن مال صد دینار سود کرد. در هنگام طواف به آن حضرت عرض کردم که مال را صد دینار خداوند بهره داد، فرمود جزء سرمایه‌ام قرار ده.

۳۱. وسائل الشیعه: ۱۲ / ۹ و ۱۳ همچنین ایشان در کتاب «الفصول المهمة فی اصول الائمة عليهم السلام» نیز می‌گوید: «باب ۵۲، درباره وجوب طلب روزی بر مردمان به اندازه کفایت و استحباب طلب بیشتر از آن به منظور رفاه خانواده و امثال آن»، ص ۲۹، از چاپ سنگی. به نقل از الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۳، ص ۲۷۱.

۳۲. طهر القسا فی البرّ و البحر بما کسبتْ أيدي الناس لیذیقهم بعض الذي عملوا لعلهم یرحسون: روم / ۴۱.

۳۳. و لو أن أهل الأرض أمئوا و اتقوا لفتختنا علیهم بركات من السماء و الأرض و لکن کذبوا فاعذبناهم بما كانوا یتکبون؛ اعراف / ۹۶.

۳۴. عنه عن محمد بن علی عن ابن فضال عن رجل عن أبي عبد الله ع قال: إن الرجل لیذنب الذنب فیخرج صلاة اللیل و إن عمل السین أسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم و فی روایة الفضیل عن أبي جعفر ع قال: إن الرجل لیذنب الذنب فیدرأ عنه الرزق و تلا هذه الآية إذ أقسموا لیضرمئها مضحین و لا یستثنون قطاف علیها طائف من رزق و هم ما یؤمنون و فی روایة بکر بن محمد الأزدي عن أبي عبد الله ع قال: إن المؤمن لینوي الذنب فیخرج رزقه. (المحاسن، ج ۱، ص ۱۱۶، کتاب عقاب الأعمال، ح ۱۴۵، بسند آخر و تمام الروایة فيه: «إن المؤمن لینوي الذنب، فیخرج رزقه». قرب الإسناد، ص ۳۲، ح ۱۰۴، بسند آخر و تمام الروایة فيه: «إن المؤمن لیاقی الذنب، فیخرج به الرزق» مع زیادة فی أوله الوافی، ج ۵، ص ۱۰۰۰، ح ۳۴۶۷: الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۰۱، ح ۲۰۵۷۴).

۳۵. ثمّ إنی أعلنت لهم و أمرتّ لهم إسرائا فقلّت استغفروا ربکم إنّه کان عفّارا یرسل السماء علیکم مڈارا و یمدکم بأموال و تبین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم أنهارا؛ نوح / ۹ - ۱۲.

۳۶. ... فإنک مدرک فسمک و احدّ ستمک و إن التیسیر من الله تبارک و تعالی أكثر و أعظم من الکثیر من خلیفه و إن کان کلّ منه و لو نظرت و لبه التملّ الأعلی فیما تطلب من الملوک و من دونهم من السفله لعرفت أنّک فی تیسیر ما نصیب من الملوک الضحارا و أنّ علیک فی کثیر ما نصیب من الذنابة عارا فاقصد فی أمرک تخمد مغیة علیک إنک لتست بلعاً شیباً من دینک و عرضک یمتنّ و المغبون من من نصیبه من الله فخذ من الدنيا ما آتاک و اترک ما توئی فإنّ أنت لم تفعل فأجیل فی الطلب.

تحف العقول، النص، ص ۷۸.

۳۷. یا علیّ أوحی الله تبارک و تعالی إلى الدنيا الحذمی من حذمتی و أعیبي من حذمتک یا علیّ إنّ الدنيا لو عدلت عند الله تبارک و تعالی جناح بغوصه لیا سقى الکافر منها شرّبة من ماء یا علیّ ما أحد من الأوّلین و الآخرین إلا و هو یتمنی یوم القیامة أنّه لم یعط من الدنيا إلا فوتا... من لا یحضره

القیامه، ج ۴، ص ۳۶۳.

۳۸. بستری برای مرد، بستری برای همسرش، بستری برای مهمان و بستر چهارم نصیب شیطان است. به نقل از الحیاه، ترجمه احمد آرام، حریم مطلوب فعالیت‌های انسانی، ج ۶، ص ۲۵۴.

۳۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «فلیکن حظک من الدنیا قوام صلیک و إمساک نفسک و التزوّد لمعادک» باید بهره تو از دنیا به همین اندازه باشد که بدنت بر سر پا ماند و جانت حفظ شود و برای آخرت توشه‌ای فراهم آید.

۴۰. «من اصبح معافی فی جسده امنا فی شریه و عنده قوت یومه و لیلته فکأنما حیزت له الدنیا، یا ابن عجبم! یکفیک منها ما سذّ جوعتک و واری عورتک، فان یکن بیت ینتک فذاک و ان تکن دابةً ترکیها فیغ یغ و الا فالخیزر و ماء الجرّة و ما بعد ذلک حساب علیک او عذاب.» آیین بندگی و نیایش (ترجمه عده الداعی)، ص ۱۳۳.

۴۱. عبدالله بن عباس از پدر خود نقل کرد که قیس بن ساعده فرزندان خویش را خواست و گفت: «معده را بقولات و تره‌بار کافی است و دوغ او را سیراب کند، جمع نکن چیزی را که نمی‌خوری و نخور چیزی را که به آن احتیاج نداری. وقتی ذخیره می‌کنی چیزی جز اعمالت نباشد. در احتیاج عفت داشته باش و در ثروت دیگران را شریک کن تا سرور قوم خود شوی.» کمال‌الدین ص ۱۰۱، به نقل از مواظ امامان علیهم السلام، ترجمه جلد هفدهم بحار، بخش سی و سیم پند و اندرزهای متفرقه، ص ۳۹۷.

۴۲. اگر در آنچه به دست آورده حقی واجب نبود و شکر خداوند و سپاس از نعمت از او خواسته نمی‌شد و از مال دنیا مورد محاسبه هم قرار نمی‌گرفت و مسئولیتی هم برای او وجود نداشت باز هم لازم بود که انسان از دنیا جز به اندازه زندگی برنبرد و بیش از احتیاج و نیاز تصرف نکند. بحارالانوار، ایمان و کفر، (ترجمه الایمان و الکفر ج ۲)، ۵۵۰، ۱۲۲، مکر و فریب دنیا و فناء آن، ص ۵۰۱.

۴۳. (قال رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مَلَكًا لَا يُنْبِغِي لِأَخِيذٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ). ص / ۳۵.

۴۴. دیلمی، ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۱، ص ۲۸۳ و ایضا قَالَ سَيِّدُنَا الصَّادِقُ علیه السلام فِي قَوْلِهِ «فَلتُخَيِّئُهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» قَالَ الْقُتُوبُ؛ وَ فِي تَفْسِيرِ الْقَمِي (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلتُخَيِّئُهُ حَيَاةً طَيِّبَةً) قَالَ الْقُتُوبُ مِمَّا رَزَقَهُ اللَّهُ. عَلِي بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۹۰ و ایضا وَ سَيَّلَ اميرالمؤمنين علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فَلتُخَيِّئُهُ حَيَاةً طَيِّبَةً) فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ نَهَج البلاغهِ (للبصیحی صالح)، ص ۵۰۹؛ و حضرتش را از معنی «فَلتُخَيِّئُهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» پرسیدند، فرمود آن قناعت است.

۴۵. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام لَوْ حَلَفَ الْقَائِلُ بِتَمَلُّكِهِ عَلَى الدَّارِئِينَ لَصَدَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ وَ لَكَبَّرَهُ لِعِظَمِ شَأْنِ مَرْتَبَةِ الْقَنَاعَةِ ثُمَّ كَيْفَ لَا يَفْتَحُ الْعَبْدُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ هُوَ يَقُولُ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ أَدَّعَى وَ صَدَقَهُ مِمَّا شَاءَ وَ لِمَا شَاءَ بِلَا غَفْلَةٍ وَ لَئِنْ بَرُوْا بِبَيْتِهِ أَصَافَ تَوَلِيَّةِ الْأَقْسَامِ إِلَى نَفْسِهِ بِلَا سَبَبٍ وَ مَنْ قَنِعَ بِالْمَقْسُومِ اسْتِرَاحَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْكَرْبِ وَ النَّعْبِ وَ كَلَّمْنَا نَفْسَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرَّغْبَةِ وَ الطَّمَعِ فِي الدُّنْيَا أَضَلَّ كُلَّ شَيْءٍ وَ صَاحِبُهَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ وَ لِذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ ص الْقَنَاعَةُ مُلْكٌ لَا يُزُولُ وَ هِيَ مُرَكَّبٌ رَضَا اللَّهُ تَعَالَى تَحْمِيلَ صَاحِبِهَا إِلَى دَارِهِ فَأَحْسِنِ التَّوَكُّلَ



* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ترجمه من لایحضره الفقیه؛ محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ۱۳۶۳.
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد؛ *آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدّه النّاعی)*؛ حسین غفاری ساروی؛ قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۴. احمدی، حسن؛ روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۰.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ *المحاسن*؛ تصحیح جلال‌الدین محدث؛ قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ تحقیق و تصحیح سید مهدی رجائی؛ قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران؛ *الحیاه*؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. دلمی، حسن بن محمد؛ *ارشاد القلوب*؛ ترجمه رضایی؛ تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۱۰. سیف، علی اکبر؛ *روان‌شناسی پرورشی*؛ تهران: آگاه، ۱۳۷۹.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. الشعیری، محمد بن محمد؛ *جامع الأخبار*؛ نجف: مطبعه حیدریه، بی‌تا.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الأخلاق*؛ ابراهیم میرباقری؛ تهران: فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمّی*؛ قم: دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی (ط - الإسلامیه)*؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. هلالی، سلیم بن قیس؛ *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*؛ محمد انصاری زنجانی خوئینی؛ قم: الیهادی.
۱۷. شهید ثانی، زین‌العابدین؛ *منیه المرید*؛ تهران: علمیه اسلامی، بی‌تا.
۱۸. ترجمه مصطفوی، حسن؛ *مصباح الشریعه*؛ تهران: ۱۳۷۸.
۱۹. خمینی، روح‌الله؛ *صحیفه امام*؛ تهران: عروج، ۱۳۷۸.
۲۰. غزالی، ابو حامد محمد؛ *احیاء علوم‌الدین*؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱.
۲۱. ابن فارس، ابوالحسن احمد؛ *معجم مقانئیس اللغه* جلد ۴؛ به کوشش عبدالسلام هارون، بیروت: ۱۳۷۱ ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی